

وزارت نفت شده است.

دولت سازندگی برای پیشبرد سیاست‌های بانک جهانی و دریافت وام، سیاست خصوصی‌سازی را درپیش گرفت، اما این سیاست، به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی و محیط کسب‌وکار نامساعدی که در نتیجه سیاست تعدیل اقتصادی شکل گرفته بود، به شکست انجامید. همچنین انتقال این شرکت‌ها به افراد بانفوذ و فاقد صلاحیت باعث شد تا این شرکت‌ها دچار ورشکستگی شوند (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۲۹). در دوره اصلاحات نیز به دلیل تأکید بر توسعه سیاسی به بخش خصوصی توجه چندانی نشد و در کل سیاست دولت سازندگی ادامه یافت. هرچند توجه به بخش خصوصی در دوره اصول‌گرایی بیشتر بوده و شرکت‌های بزرگی در قالب سهام عدالت واگذار شدند، این واگذاری‌ها بیشتر به بخش‌های شبه‌دولتی بوده است. در دوره اعتدال نیز همانند دولت قبلی، با سرکوب نرخ ارز، رقابت‌پذیری شرکت‌های تولیدی در برابر کالاهای خارجی کاهش یافت. در مجموع سیاست مداخله‌جویانه این دولت‌ها و بی‌توجهی به بخش خصوصی، بسترهای توسعه اقتصادی را فراهم نکرد.

در بحث تعامل سازنده و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باید گفت که دو دولت سازندگی و اصلاحات تا حدودی توانستند سیاست تنش‌زدایی، اعتماد سازی، تعامل با غرب و شرق و همکاری‌های منطقه‌ای را در پیش بگیرند، اما در دولت اصول‌گرایی این شاخص از سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا چندان توجه نشده است و با انتقاد از نظام بین‌الملل و افسانه خواندن هولوکاست، حساسیت‌های بین‌المللی را به خود معطوف ساخت. این دولت برای کاهش فشارها، همکاری با شرق را در دستور کار خود قرار داد. در دولت اعتدال نیز سیاست‌های تنش‌زدایی و اعتمادسازی با غرب برای بهبود تصویر بین‌المللی ایران در پیش گرفته شد که نتیجه آن برجام بود. این دولت در توسعه تعامل با کشورهای همسایه و همکاری‌های درون‌منطقه‌ای توفیق چندانی نداشته است.

سیاست تعدیل اقتصادی در دولت سازندگی که افزایش واردات و تورم را به‌دنبال داشته است، مانع از صنعتی‌سازی و جذب سرمایه لازم برای ارتقای